

هو المشرق من أفق سماء البيان عريضه ات رسيد...

حضرت بهاء الله

اصلي فارسی



من آثار حضرة بهاء الله - لئالی الحکمة، المجلد 3، لوح رقم (192)

هو المشرق من أفق سماء البيان

عريضه ات رسيد هنگامیکه مالک انام در قصریکه در آن سجن اعظم واقعت مشی مینمود، ندايت را شنيديم و عرف محبت را يافتيم، بمناجات مظلوم حق جل جلاله را ذکر نمودی طوبی لسانک بما نطق بالحق ولقلبک بما أقبل إلى المظلوم، قسم بآفتاب حقیقت يك عمل امروز مقابلست باعمال اعصار و قرون بلکه معادله نمینماید بآن اعمال ارض، طوبی از برای چشمیکه امروز بکحل معارف الهی روشن شد واز برای قلبیکه قصص اولی را بعنایت حق محو نمود و بکلمه إني عبد الله مزین داشت، از حق میطلبیم اولیای آن ارض و اطرافرا مؤید فرماید بر خدمت امر، عالمرا آیات احاطه نموده و بینات در عرصه وجود مشهود نعیماً لمن أقبل و فاز وویل للغافلین، از حق میطلبیم ترا تایید فرماید و از کوشش استقامت در هر حین عطا نماید، اوست سلطان کریم و مالک وجود لا إله إلا هو الفرد الواحد المقتر العزيز الودود.



ORIGINAL